

نقش هزینه های آموزشی دولت و خانوار در توسعه انسانی ایران

شقایق صنعتگران^۱، میثم موسایی^۲، شهلا کاظمی پور^۳

چکیده

در این پژوهش رابطه هزینه آموزشی دولت و خانوار با توسعه انسانی ایران در سال های ۱۳۹۴-۱۳۶۹ مورد بررسی قرار گرفته است. روش تحقیق اسنادی و پیمایشی از نوع تحلیل داده های ثانویه است. مقدار HDI از سایت UNDP و داده های مربوط به هزینه های دولت در آموزش، بهداشت، رفاه و تامین اجتماعی و امور اقتصادی از قوانین بودجه و داده های هزینه خانوار از سالنامه های آماری استخراج شده است. تجزیه و تحلیل اطلاعات و مدل سازی با روش GMM و تابع تولید کاب-داگلاس تعمیم یافته و تخمین آن با داده های سال ۱۳۶۹ تا ۱۳۹۴ انجام شده است. یافته ها نشان می دهد که هزینه های دولتی آموزش و بهداشت، آموزش خانوار روستایی و بهداشت خانوار شهری اثر مثبت و هزینه های دولت در رفاه و امور اقتصادی و هزینه آموزش خانوار شهری اثر منفی بر HDI دارد و هزینه بهداشت خانوار روستایی اثری بر HDI ندارد. با وجود اینکه انتظار می رود اثر مستقیم افزایش هزینه های آموزشی بالارفتن توسعه انسانی باشد، اما محدودیت بودجه و مدیریت ناکارآمد سبب ائتلاف منابع و اثر معکوس بر توسعه انسانی است. تغییر اولویت ها در اختصاص بودجه بیشتر به آموزش و بهداشت به جای رفاه و تامین اجتماعی، ارزیابی و نیازسنجی ملی و منطقه ای برای نتیجه بخش بودن برنامه های اقتصادی، کیفی کردن آموزش و دسترسی بیشتر روستاییان به امکانات بهداشتی، امکان افزایش شاخص توسعه انسانی را فراهم می آورد.

واژگان کلیدی: توسعه انسانی، هزینه های آموزشی، هزینه های بهداشتی، هزینه های رفاه و تامین اجتماعی، هزینه های اقتصادی، هزینه های خانوار.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۱۲/۲۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۸/۲۸

^۱ دانشجوی مقطع دکتری رشته جامعه شناسی توسعه، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

(Email: sanatgaran.sh@gmail.com)

^۲ استاد گروه علوم برنامه ریزی اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) (Email: mousaei1967@yahoo.com)

^۳ دانشیار گروه جمعیت شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران (Email: skazemipour@gmail.com)

مقدمه

کشورهای در مسیر تحول برای دستیابی به توسعه، باید زمینه های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی لازم را فراهم آورند. فرایند توسعه به انسان هایی با "ذهن و نگرش تحول یافته" و هماهنگی و همکاری بین دولت، نخبگان و مردم نیازمند است. به عبارت دیگر جامعه برای دستیابی به توسعه نیازمند تربیت انسان هایی کارآمد است که آموزه های فرهنگی توسعه از جمله قانون پذیری، نظم پذیری، احترام به حقوق دیگران، مشارکت جویی و ... در آنها نهادینه شده باشد. انسان هایی که "با دلسوزی، تعهد و بینش علمی تمام توانمندی ها، انرژی، تخصص و فکر خود را در راستای تحقق اهداف توسعه ای به کار برده و به طور مداوم به منظور مشارکت، ارزش های فکری و کیفی جدیدی تولید کنند" (ساخاراپولوس، ۱۳۷۳: ۶۳). با این دیدگاه، به منظور بررسی و مقایسه هزینه هایی که دولت و خانواده ها برای دستیابی به توسعه انسانی می نمایند، پایه های مقاله حاضر با عنوان "نقش هزینه های آموزشی دولت و خانوار بر توسعه انسانی در ایران" بنا گذاشته شد.

مبانی نظری

توسعه، ایجاد و گسترش عوامل موثر در بهبود کمی و کیفی زندگی بشر است. از آنجایی که دیدگاه های اولیه توسعه به مفهوم عدالت در داشتن فرصت های واقعی فردی توجه نداشتند، مفهوم توسعه به تدریج از رشد اقتصادی به "توزیع مجدد رشد" تغییر شکل پیدا کرد. "اکنون تحولات شاخص سازی برای سنجش وضعیت کشورهای جهان طیفی دوسویه است که یک سوی آن رشد اقتصادی و سوی دیگر آن توسعه پایدار است" (پیران، ۱۰۴-۱۰۳).

"مفهوم توسعه انسانی رویکردی کل نگر به "زندگی بهتر" است که به پرورش استعدادها و قوای ذهنی در کنار مصرف کالاها و خدمات تاکید دارد و با هدف قرار دادن زندگی بهتر، افق پویایی را فراروی انتخاب های انسانی قرار می دهد" (سازمان مدیریت و برنامه ریزی، ۱۳۷۸: ۳). راهبرد توسعه، علم تعیین مهم ترین وظایف، نوع و میزان منابع مورد نیاز و مکان یابی در هر مرحله از توسعه است. "راهبرد توسعه به حوزه عمل تعلق دارد و متضمن تعیین اولویت ها، برنامه ریزی و تدوین سیاست هاست" (حریری ۲/ ۱۳۸۸: ۱۱۸۰). و برای دستیابی به توسعه "باید به استقرار ساختها و نهادهای سیاسی اجتماعی و اقتصادی منطبق با شرایط جدید پرداخت" (بیرو، ۱۳۸۰: ۹۰). توسعه فرایندی پویا و مداوم جهت رسیدن به وضعیتی مطلوب و پایدار در راستای کمال انسان و تعالی جامعه است. و هدف اصلی آن، ایجاد محیطی توانبخش جهت بهبود بخشیدن و بالا بردن کیفیت زندگی مردم یا توسعه انسانی است. "توسعه انسانی مستلزم برنامه ها و فعالیت های چندبخشی و سیاست های کلان اقتصادی است و هدف نهایی آن این است که به بهبود رفاه مردم بیانجامد" (گریفین و مک کنلی، ۱۳۷۵: ۱۶-۱۱). به همین منظور "در سال ۲۰۰۰ و در آغاز هزاره سوم رهبران ۱۸۹ کشور جهان با حضور در اجلاس هزاره هدف های توسعه را محور گرسنگی و فقر شدید، دسترسی همگان به امکانات آموزش ابتدایی، ارتقای برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان، کاهش مرگ و میر کودکان، تامین بهداشت و سلامت مادران، مبارزه با بیماری های ایدز مالاریا و ...، تضمین پایداری محیط زیست و گسترش مشارکت جهانی اعلام کردند" (حریری ۱۳۸۸: ۱۱۷۹). براین تعریف های فوق از توسعه بیانگر این است که در تمام این سال ها نگاه به توسعه تکاملی بوده و در آن انسان از ابزار توسعه به هدف توسعه تغییر جایگاه داده است. و توسعه انسانی مبتنی بر این ایده اساسی است که پیشرفت جوامع انسانی را نمی توان تنها با درآمد سرانه اندازه گیری کرد بلکه لازمه دستیابی به زندگی بهتر علاوه بر داشتن درآمد بالاتر، پرورش و بسط استعدادها و توانایی های افراد است. بنابراین "توسعه انسانی عبارت از فرایند بسط انتخاب ها و ظرفیت های انسانی است" (UNDP, 2004: 42). مساله بنیادی برای گسترش گزینش ها و انتخاب های انسانی، ایجاد ظرفیت های انسانی، یعنی طیفی از چیزهایی است، که مردم می توانند باشند. "اساسی ترین ظرفیت ها برای توسعه انسانی، زندگی طولانی و توأم با سلامتی، آموزش، داشتن استانداردهای شایسته زندگی و بهره مندی از آزادی های سیاسی و مدنی برای مشارکت در زندگی اجتماعی است. سه ظرفیت اولی یاد شده در این گزارش، تحت عنوان شاخص های توسعه انسانی HDI یاد شده اند" (گریفین، ۱۳۷۵؛ از کیا، ۱۳۹۳؛ گزارش توسعه سازمان ملل، ۲۰۰۳). توسعه انسانی فرایندی از

انتخاب های مردم است به طوری که این انتخاب ها فرصت های بیشتری را برای لذت بردن از افزایش امکانات در دسترس فراهم می کند. توسعه انسانی، توسعه مردم از طریق ایجاد قابلیت های انسانی است که از طریق خود انسان ها با مشارکت فعال در فرایندهایی که زندگی آن ها را شکل می دهد، به دست می آید" (گزارش توسعه انسانی سازمان ملل متحد، ۲۰۱۵: ۲). "توسعه انسانی باید از نگاه مردمی که در مراحل مختلف زندگی با انواع مختلف آسیب ها مواجه اند، دیده شود. توسعه پایدار انسانی به احتمال زیاد زمانی است که همه کودکان بتوانند مهارت های لازم برای پیوستن به بازار کار را به دست آورند. اقدامات سیاسی و اقتصادی لازم جهت توانمند شدن جوانان فراهم شود. و حمایت اجتماعی برای افراد سالخورده از طریق حقوق بازنشستگی اجتماعی و ایجاد فرصت هایی برای کار در جایی که می توانند کمک کنند، ایجاد شود" (گزارش توسعه انسانی سازمان ملل متحد، ۲۰۱۶). به این ترتیب مشاهده می شود که "توسعه قابلیت های انسانی هدفی با یک نقطه پایان و نهایی نیست، بلکه فرایندی مداوم و بی انتهاست." (نایت و گریفین، ۱۳۷۶).

بنا به تعریف طرح توسعه سازمان ملل متحد UNDP توسعه منابع انسانی از پنج منبع نیرو می گیرد: "آموزش و پرورش، بهداشت و تغذیه، محیط زیست، اشتغال و آزادی سیاسی. این منابع با یکدیگر مرتبط بوده و به هم وابسته اند، اما آموزش و پرورش شالوده و بنیان سایر منابع محسوب می شود" (هلک: ۱۳۷۱، ۹). "توسعه یافتگی تحولی داخلی، تابع حل بحران مشروعیت در یک کشور و نیازمند تحول آموزشی و فرهنگی جدی است. توسعه فرایندی است که طی آن باورهای فرهنگی، نهادهای اجتماعی، نهادهای اقتصادی و نهادهای سیاسی به صورت بنیادی متحول می شوند و طی این فرایند سطح رفاه جامعه ارتقاء می یابد. تحقق این امر نیز بیش از هر چیز در گرو گسترش نگرش علمی و تبدیل این نگرش به باور اساسی فرهنگی جامعه است. این تغییر بنیادی در تلقی های فرهنگی جامعه، محیط اصلی مناسب توسعه اقتصادی را فراهم می آورد. و تحقق این امر در گرو بازسازی اساسی نظام آموزشی عمومی کشور و به ویژه مقاطع اولیه این نظام (ابتدایی و راهنمایی) است" (عظیمی، ۱۳۹۳: ۴۱-۴۰). به همین منظور "انسان ها باید به کیفیتی آموزش ببینند و مجهز به شاخصه هایی شوند که نه تنها هیچ گونه مشکلی با برنامه های توسعه ای نداشته باشند، بلکه با دلسوزی و تعهد و بینشی علمی تمام توانمندی ها، انرژی، تخصص و فکر خود را در راستای تحقق اهداف توسعه ای به کار برده و به طور مداوم به منظور مشارکت، ارزش های فکری و کیفی جدیدی تولید کنند" (ساخاراپولوس، ۱۳۷۳: ۶۳). آمار تیا سن هم در "رویکرد قابلیت ها" فقر را کمبود قابلیت توصیف کرده و اظهار می دارد که "آموزش های پایه و خدمات درمانی بهتر نه تنها مستقیم کیفیت زندگی را بالا می برند، بلکه در افزایش توانایی های فرد در کسب درآمد و رهایی از فقر درآمدی نیز موثرند" (سن، ۱۳۸۸: ۱۱۱-۱۱۰). واضح است که از دید سن علاوه بر درآمد و وضعیت اقتصادی شاخص آموزش نیز معیار اندازه گیری فقر یا رفاه جوامع است.

در فرایند توسعه، علاوه بر آموزش و پرورش، نقش بهداشت و درمان و تغذیه نیز در کمک به توسعه قابلیت های مردم بسیار مهم و حیاتی است. "در جریان از رشد اقتصادی به توسعه انسانی، تولید ناخالص ملی از طریق تصمیم های دولت، سازمان های عمومی غیردولتی و خانواده ها، به فعالیت هایی مثل آموزش، بهداشت (به خصوص آموزش و سلامت زنان)، هزینه های دولت در ارائه تسهیلات عمومی و مخارج اجتماعی، اجرای سیاست های توزیع مناسب تر درآمد، ثروت و مبارزه با فقر در جامعه تخصیص می یابد و بر توسعه انسانی اثر می گذارد" (محمودی، ۱۳۸۷: ۱۵۳). علاوه بر موارد فوق که نشان دهنده نقش مهم و تاثیر گذار دولت بر توسعه انسانی است. دولت هدایت کننده سرمایه های ملی در امور زیربنایی چون حمل و نقل، انرژی، ساختارهای شهری، حفظ منابع طبیعی و محیط زیست است. البته در بلند مدت از نقش دولت در استراتژی توسعه انسانی کاسته می شود و وظایف آن به نهادهای مدنی واگذار می گردد. به عبارت دیگر می توان گفت که "توسعه یافتگی اصول ثابتی دارد که عبارت از دولت حداقل، صنعتی شدن، توجه فراگیر به علم و عقلانیت، سیاست خارجی مدافع اقتصاد ملی، بخش خصوصی فعال، نظام آموزشی کاربردی، حاکمیت کارآمدی در تمام سطوح نظام اجتماعی، نخبگان ابزاری منسجم، مردم پرکار و مسئولیت پذیر، دولت پاسخگو... است" (سریع

القلم، ۱۳۹۲: ۱۸-۱۵). این اصول اگرچه کلی و جهان شمول هستند اما قابلیت بومی شدن را دارند. "تفکر دوباره درباره توسعه، تجربه اندیشیدن به آینده محسوب می شود. در این تفکر تضمینی وجود دارد که از ناآگاهی و رفتن ما به سوی آینده ای نامطلوب جلوگیری می کند. تفکر دوباره درباره توسعه فراخوانی جهت آماده شدن برای آینده است" (اتال، ۳۲ و ۳۳).

پیشینه خارجی تحقیق

پیر پائولو ساوتی^۱ (۲۰۱۶) در مقاله "آموزش، تغییر ساختاری و توسعه اقتصادی" تأثیر آموزش بر درآمد و توزیع درآمد با تقسیم جمعیت آماری به دو طبقه اجتماعی، پایین و بالا با سطوح و کیفیت آموزشی متفاوت را مطالعه کرده است. طبقه بالا سطح و کیفیت آموزش بالاتری دارد، که به نوبه خود به سطح بالاتری از سرمایه انسانی منتهی می گردد. از طرفی نتایج گزارش شده نشان می دهند که، آموزش می تواند دو رابطه متناقض داشته باشد: می تواند با منظور داشتن سهم طبقه پایین برای رسیدن به سهم طبقه بالا تأثیر مثبتی بر تحرک اجتماعی داشته باشد و می تواند به دلیل کیفیت آموزش بالاتری که برای طبقه بالا تدارک دیده است به توزیع درآمدی ناهموارتری بیانجامد. جودی اگو^۲ و همکاران (۲۰۱۵) در مقاله "آموزش، بهداشت و رشد اقتصادی در کشورهای آفریقایی" به بررسی رابطه میان سرمایه انسانی (که توسط متغیرهای مربوط به آموزش و بهداشت اندازه گیری می شوند) و رشد اقتصادی در نمونه ای شامل ۴۹ کشور آفریقایی از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۰ می پردازند و با استفاده از تکنیک های مبتنی بر قالب بندی پویا و مقطعی سنتی، درمی یابند که هزینه های عمومی آموزش و بهداشت، تأثیری منفی بر رشد اقتصادی دارد، در حالی که شاخص های سهام سرمایه انسانی رابطه به نسبت مثبتی بر رشد اقتصادی دارند. به علاوه، بررسی های تجربی آنها نشان می دهد که هزینه های آموزش و بهداشت، مکمل یکدیگر هستند. بنابراین، هزینه عمومی در آموزش و بهداشت و بهره وری آن ها به منظور پیش بینی رابطه مثبت سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی در کشورهای آفریقایی باید با هم افزایش یابد. هاکان اوزتونک^۳ و همکاران (۲۰۱۵) در مقاله "اثرات تحصیل زنان بر رشد اقتصادی: مطالعه تجربی سرتاسری" بررسی می کنند که تحصیل زنان چه تأثیری بر رشد اقتصادی بلندمدت در منطقه آسیا اقیانوسیه دارد. این مطالعه در دوره زمانی بین سال های ۲۰۱۰-۱۹۹۰ در کشورهای بنگلادش، کامبوج، چین، هندوستان، اندونزی، لائوس، مالزی، میانمار، فیلیپین، ویتنام و تایلند که به صورت تصادفی انتخاب شده اند، می باشد. نتایج به دست آمده از تحلیل رگرسیون نشان می دهد که نرخ باروری، مشارکت نیروی کار زنان و ثبت نام زنان در مدارس ابتدایی عوامل معنادار در رشد درآمد سرانه سالانه هستند. کورت^۴ (۲۰۱۵) در مقاله ای به تحلیل تأثیر مستقیم و غیرمستقیم مخارج بهداشت دولتی بر رشد اقتصادی ترکیه پرداخته است. نتایج حاصل از آن بیانگر این است رابطه مستقیم مخارج بهداشت و درمان بر رشد اقتصادی مثبت و معنادار و رابطه غیرمستقیم مخارج بهداشت و درمان بر رشد اقتصادی منفی و معنادار بوده است.

رفیکا آتالی^۵ (۲۰۱۴) در مقاله "آموزش و سرمایه انسانی برای رهایی از تله درآمد متوسط و ایجاد توسعه اقتصادی" به مواجه شدن ترکیه با تله درآمد متوسط پس از دستیابی به درآمد ملی سرانه ۱۰۴۳۸ دلار در دهه ۲۰۰۸ اشاره می کند. از دید وی برای ایجاد سرمایه انسانی، دولت و افراد ملزم به صرف هزینه های آموزشی بسیاری هستند. اما یکی از بازتاب های تحمیل هزینه های سنگین آموزش به مردم، به خصوص در سطح آموزش عالی، این است که دانشجویان پس از فارغ التحصیلی به دلیل این که نمی توانند در فرایند تحصیلی کار کنند، با کمبود درآمد مواجه می شوند. از دید وی این نظام تحصیلی موجب ائتلاف منابع عمومی است. وانگ کوان-مین^۶ (۲۰۱۱) به تحلیل تأثیر مخارج مراقبت های بهداشتی و رشد اقتصادی در ۳۱ کشور در دوره زمانی ۲۰۱۱-۱۹۸۶ با استفاده از دو روش تجزیه و تحلیل تجربی رگرسیون پانل دیتا و تجزیه و تحلیل رگرسیون کوانتایل پرداخته است. نتایج حاصل از آن بیانگر

¹ Saviotti, Pier Paolo

² Eggoh, Jude

³ Hakan, Oztunc

⁴ Kurt

⁵ Atalay, Refica

⁶ Wang, Kuan- Min

این است که، رشد مخارج بهداشتی باعث افزایش رشد اقتصادی شده، اما رشد اقتصادی باعث کاهش رشد مخارج بهداشتی شده است. همچنین، در کشورهای با رشد اقتصادی پایین، متوسط و بالا، رابطه رشد مخارج بهداشتی بر رشد اقتصادی متفاوت بوده است. نارایان^۱ و همکاران (۲۰۱۰) در مقاله ای به تحلیل رابطه سلامت و رشد اقتصادی در ۵ کشور آسیایی منتخب با استفاده از روش هم جمعی پانل در دوره زمانی ۲۰۰۷-۱۹۷۴ پرداخته اند. نتایج حاصل از آن بیانگر این است که مخارج سلامت، آموزش، تعامل مخارج آموزش و مخارج تحقیق و توسعه، سرمایه گذاری و صادرات کالاها و خدمات تأثیر مثبت و واردات کالاها و خدمات تأثیر منفی بر رشد اقتصادی داشته است. کلومبیر^۲ (۲۰۰۰) با استفاده از رهیافت داده های تابلویی ضمن بررسی تاثیر ترکیب مخارج دولت بر رشد اقتصادی کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی طی سال های ۱۹۹۸-۱۹۷۰ نشان داده است که مخارج آموزشی، تامین امنیت و رفاه اجتماعی تاثیر مثبت و مخارج بهداشتی تاثیر منفی و معنی داری بر رشد اقتصادی کشورهای مورد مطالعه داشته اند. بلتینی و سرون^۳ (۲۰۰۰) با استفاده از داده های تابلویی به بررسی تاثیر مخارج رفاه و امنیت اجتماعی بر رشد اقتصادی ۶۱ کشور منتخب در حال توسعه و توسعه یافته طی سال های ۱۹۹۰-۱۹۶۰ پرداخته و به این نتیجه رسیده اند که مخارج صرف شده روی رفاه و امنیت اجتماعی از طریق تاثیر گذاری بر سرمایه انسانی منجر به افزایش رشد اقتصادی در گروه کشورهای مورد بررسی است. بام و لین^۴ (۱۹۹۳) با بهره گیری از داده های تابلویی به بررسی تاثیر مخارج آموزشی، بهداشتی، تامین امنیت و رفاه اجتماعی بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته طی سال های ۱۹۹۰-۱۹۷۵ پرداخته و به این نتیجه رسیده اند که نرخ رشد مخارج آموزشی در همه موارد تاثیر مثبت و معنی دار و نرخ رشد مخارج رفاهی در همه مدل ها برآورد شده تاثیر منفی و معنی داری بر رشد اقتصادی داشته است.

پیشینه داخلی تحقیق

نوری نائینی و همکاران (۱۳۹۶) در "بررسی عوامل موثر بر شاخص توسعه انسانی در ایران با رویکرد میانگین گیری بیزی" با فرض بی اطلاعی از مدلی که بتواند به درستی توضیح دهنده شاخص توسعه انسانی باشد، با در نظر گرفتن چارچوب عدم اطمینان مدل و با روش میانگین گیری بیزی، پس از انجام محاسبات و بررسی رابطه ۲۱ عامل بر روی شاخص توسعه انسانی ایران، مشخص کردند که پنج متغیر رشد درآمدهای نفتی، رشد مخارج بهداشتی دولت، رشد تحصیلات ابتدایی، تورم و موجودی سرمایه به عنوان متغیرهای غیرشکندنده، تاثیر معنی داری بر توسعه انسانی ایران دارند. پناهی و آل عمران (۱۳۹۴) در بررسی "تاثیر مخارج بهداشتی دولت بر رشد اقتصادی در کشورهای سازمان همکاری های اقتصادی گروه D8" در روش تابلویی در فاصله زمانی ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۲ به تاثیر مثبت و معنی دار مخارج بهداشتی دولت بر رشد اقتصادی رسیده اند. شاهپوندی (۱۳۹۶) به پیروی از نارایان و همکاران (۲۰۱۰) و تعمیم الگوی رشد درونزای لوکاس (۱۹۸۸) با استفاده از یک الگوی اقتصادسنجی و روش داده های تابلویی در دوره ۲۰۱۴-۱۹۹۵ به تحلیل تأثیر آموزش و سلامت نیروی انسانی بر رشد اقتصادی کشورهای اوپک پرداخته اند. نتایج حاصل از الگوهای برآوردی بیانگر این است که نسبت کل مخارج آموزشی و بهداشت عمومی به تولید ناخالص داخلی و نرخ امید به زندگی بر رشد اقتصادی کشورهای اوپک رابطه مثبت و معناداری داشته است. همچنین نتایج بیانگر رابطه منفی و معنادار نرخ مرگ و میر نوزادان بر رشد اقتصادی است. صادقی (۱۳۹۳) در بررسی رابطه بلند مدت بین مخارج آموزشی، بهداشتی، امنیت و رفاه اجتماعی و رشد اقتصادی در ۵۷ کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی طی سال های ۲۰۱۰-۱۹۷۰ با روش حداقل مربعات پویا در داده های تابلویی به این نتیجه رسیده است که مخارج آموزشی و رفاه اجتماعی تاثیر مثبت و مخارج بهداشتی و کسری بودجه دولت تاثیر منفی و معنی داری بر رشد اقتصادی کشورهای مورد مطالعه داشته اند. باسحا و همکاران (۱۳۹۰) به منظور بررسی میزان تاثیر گذاری هزینه های دولت در دو بخش بهداشت

¹ Narayan, S

² Colombier, C

³ Belletini, G. and C.B. Ceroni

⁴ Baum, N.D and S. Lin

و آموزش بر توسعه انسانی در کشورهای منتخب عضو سازمان کنفرانس اسلامی، روش های اقتصادسنجی متداول و مدل ساختار کواریانس را در دوره زمانی سال های ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۵ مورد استفاده قرار داده و به این نتیجه رسیده اند که رابطه هزینه های آموزشی و بهداشتی دولت، نرخ شهرنشینی، نسبت دانش آموزان دختر به پسر در دوره ابتدایی بر شاخص توسعه انسانی مثبت و رابطه متغیرهای نرخ باروری زنان، نسبت تعداد دانش آموز به معلم در دوره ابتدایی بر شاخص توسعه انسانی منفی است. مشکانی و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهش "بررسی تاثیر هزینه های آموزش بر سرمایه انسانی و رشد اقتصادی با استفاده از الگوی تعادل عمومی قابل محاسبه" نشان داده اند که افزایش هزینه های آموزش رابطه ای مثبت با سرمایه انسانی دارد و سبب می شود این سرمایه به صورت قابل توجهی افزایش یابد. تاثیر افزایش هزینه های آموزش بر رشد اقتصادی نیز مثبت است، اما جداسازی اثرات رشد به عوامل مختلف (نیروی انسانی و سرمایه فیزیکی) نشان می دهد که رابطه معنی داری میان افزایش در سرمایه انسانی و رشد اقتصادی برای دوره متوسطه وجود ندارد و بیشتر افزایش در ارزش افزوده به دلیل هزینه های انجام شده در آموزش (افزایش سرمایه فیزیکی) است و افزایش در سرمایه انسانی در این زمینه تاثیری ندارد. اما در آموزش عالی با افزایش سرمایه انسانی رشد اقتصادی افزایش می یابد. موسوی خامنه و همکاران (۱۳۸۹) در مقاله ای با عنوان "توسعه انسانی مبتنی بر جنسیت و آموزش زنان" وضعیت آموزشی زنان را با ابعاد گوناگون توسعه در حوزه توسعه انسانی و توسعه جنسیتی و در ارتباط با شاخص های بهداشتی، اقتصادی و سیاسی تحلیل نموده و از طریق مطالعه تطبیقی میان کشورهای با درجات متفاوت از حیث توسعه یافتگی، روندهای آموزشی در این کشورها را بررسی کرده و نشان داده اند که آموزش در توسعه انسانی و همچنین توسعه جنسیتی نقش مهمی دارد. توسعه آموزشی زنان به بهبود کیفیت زندگی، تقویت بنیه نظام اقتصادی کشورها، افزایش مشارکت سیاسی و در نهایت توانمندسازی زنان منجر می شود. پورفرج (۱۳۸۴) به بررسی "مخارج دولت برای سرمایه انسانی و نقش آن در رشد اقتصادی ایران" پرداخته است. وی تلاش نموده با تفکیک هزینه های جاری از عمرانی دولت رابطه آن را بر رشد بسنجد. نتایج تحقیق وی نشان می دهد که رابطه اندازه هزینه های جاری دولت با رشد منفی و اندازه هزینه های عمرانی دولت با رشد مثبت و معنی دار است. قسمتی از هزینه های جاری دولت مربوط به هزینه های آموزشی در زمینه آموزش عمومی و عالی و پژوهشی است. با تفکیک این هزینه ها از مخارج جاری دولت رابطه آن با رشد اندازه گیری شده است. مخارجی که دولت برای سرمایه انسانی هزینه کرده است در کوتاه مدت بعد از یک یا دو تاخیر بر رشد اثر مثبت دارند، اما مخارج جاری غیر از مخارج سرمایه انسانی و آموزشی بر رشد دارای اثر منفی است. بنابراین اگر دولت بخواهد ساختار و اندازه خود را اصلاح کند باید سیاست های اصلاحی خود را به سمت مخارج جاری به جز سرمایه انسانی متوجه سازد.

مرور موضوع های پیشینه تحقیق نشان می دهد که در پژوهش های پیشین (به جز پژوهش های مربوط به نوری نائینی و همکاران (۱۳۹۶)، باسحا و همکاران (۱۳۹۰) و موسوی خامنه و همکاران (۱۳۸۹)) متغیرهای تاثیر گذار بر توسعه انسانی سنجیده نشده است و در اکثر آن ها به صورت غیر مستقیم رابطه متغیر وابسته رشد و یا توسعه اقتصادی با سرمایه انسانی بررسی گردیده است. بنابراین با چشم پوشی از این موضوع، به دسته بندی رابطه ای که هزینه های آموزشی، بهداشتی، رفاهی و اقتصادی با رشد، توسعه اقتصادی، سرمایه انسانی و به طور غیر مستقیم با توسعه انسانی دارند، پرداخته شده است.

مروری بر نتایج پیشینه تحقیق نشان می دهد که رابطه هزینه های دولت در آموزش با رشد و یا توسعه انسانی از دید پیر پائولو ساوتی (۲۰۱۶)، هاکان اوزتونک و همکاران (۲۰۱۵)، نارایان و همکاران (۲۰۱۰)، کلومبیر (۲۰۰۰)، بام و لین (۱۹۹۳)، نوری نائینی و همکاران (۱۳۹۶)، شاهوندی (۱۳۹۶)، صادقی (۱۳۹۳)، باسحا و همکاران (۱۳۹۰)، مشکانی و همکاران (۱۳۹۰)، موسوی خامنه و همکاران (۱۳۸۹) و پورفرج (۱۳۸۴) مثبت و از نگاه جودی آگو و همکاران (۲۰۱۵) منفی ارزیابی شده است. و نیز از دید کورت (۲۰۱۵) هزینه های دولت در بهداشت دارای دو رابطه مستقیم مثبت و غیرمستقیم منفی است. و رابطه هزینه های دولت در بهداشت از دید وانگ کوان-مین (۲۰۱۱)، نارایان و همکاران (۲۰۱۰)، نوری نائینی و همکاران (۱۳۹۶)، پناهی و آل عمران (۱۳۹۴)، شاهوندی (۱۳۹۶) و باسحا و همکاران (۱۳۹۰) مثبت و از نظر جودی آگو و همکاران (۲۰۱۵)، کلومبیر (۲۰۰۰) و صادقی (۱۳۹۳) منفی است. و رابطه

هزینه های دولت در رفاه و تامین اجتماعی با رشد و یا توسعه انسانی از نظر کلومبیر (۲۰۰۰)، بلتینی و سرونی (۲۰۰۰) و صادقی (۱۳۹۳) مثبت و از دیدگاه بام و لین (۱۹۹۳) منفی است. و در نهایت رابطه هزینه های دولت در اقتصاد بر رشد و یا توسعه انسانی از نگاه نارایان و همکاران (۲۰۱۰)، نوری نائینی و همکاران (۱۳۹۶) و شاهینندی (۱۳۹۶) مثبت و از منظر صادقی (۱۳۹۳) در صورت وجود کسر بودجه منفی است.

با توجه به این که در تحقیقات پیشین رابطه بین هزینه های دولت در آموزش، بهداشت، رفاه و تامین اجتماعی و امور اقتصادی و نیز هزینه خانواده های شهری و روستایی در آموزش و بهداشت، با توسعه انسانی به طور مستقیم مورد بررسی قرار نگرفته است، ضرورت پرداختن به این موضوع احساس گردید.

روش شناسی

روش این تحقیق پیمایشی از نوع تحلیل داده های ثانویه و اسنادی است. و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات و مدل سازی نرم افزار Eweivs10 استفاده شده است. داده های مربوط به توسعه انسانی در بازه زمانی ۱۳۶۹-۱۳۹۴ از سایت برنامه توسعه سازمان ملل متحد (UNDP) و داده های مربوط به هزینه های دولت در آموزش، بهداشت، رفاه و تامین اجتماعی و امور اقتصادی در سال های ۱۳۶۹-۱۳۹۴ از قوانین بودجه استخراج شده است. جهت قابل مقایسه شدن داده های موجود در هر یک از منابع بالا، همه داده های سرمایه ای برحسب میلیون ریال و به سال پایه ۹۵ تبدیل و به صورت سرانه در مدل وارد شده اند.

تبیین و تصریح مدل

در این تحقیق با توجه به مبانی نظری و مطالعات انجام شده قبلی از تابع تولید کاب-داگلاس^۱ تعمیم یافته جهت بررسی رابطه بین متغیرهای هزینه دولت در آموزش، بهداشت، رفاه و اقتصاد و هزینه های خانواده های شهری و روستایی در آموزش و بهداشت با توسعه انسانی و مدل سازی استفاده شده است. فرم کلی تابع کاب-داگلاس برای متغیرهای این تحقیق به شکل زیر است:

$$HDI_t = \alpha GCE_t^{\beta_1} GCH_t^{\beta_2} GCW_t^{\beta_3} GCE_t^{\beta_4} ECU_t^{\beta_5} ECR_t^{\beta_6} HCU_t^{\beta_7} HCR_t^{\beta_8} e^u$$

در این معادله HDI معرف شاخص توسعه انسانی، GCE هزینه های دولت در آموزش، GCH هزینه های دولت در بهداشت، GCW هزینه های دولت در رفاه و تامین اجتماعی، GCE هزینه های دولت در امور اقتصادی، ECU هزینه خانواده شهری در آموزش، ECR هزینه خانواده روستایی در آموزش، HCU هزینه خانواده شهری در بهداشت، HCR هزینه خانواده روستایی در بهداشت، u جزء اخلال و e پایه لگاریتم طبیعی در مدل است. این معادله نشان می دهد که رابطه بین توسعه انسانی با سایر متغیرهای مستقل غیر خطی است. با تبدیل معادله بالا به شکل لگاریتمی خواهیم داشت:

$$\ln HDI_t = \beta_0 + \beta_1 \ln GCE_t + \beta_2 \ln GCH_t + \beta_3 \ln GCW_t + \beta_4 \ln GCE_t + \beta_5 \ln ECU_t + \beta_6 \ln ECR_t + \beta_7 \ln HCU_t + \beta_8 \ln HCR_t + u_t$$

در رابطه فوق $\beta_0 = \ln \alpha$ است.

بدین ترتیب مدل از نظر پارامترهای $\beta_0, \beta_1, \beta_2, \beta_3, \beta_4, \beta_5, \beta_6, \beta_7, \beta_8$ خطی شده و روش تحلیل رگرسیون خطی در مورد آن به کار می رود. لازم به ذکر است که مدل همچنان از نظر متغیرهای $HDI, GCE, GCH, GCW, GCE, ECU, ECR, HCU$ غیر خطی است اما لگاریتم این متغیرها خطی شده است. یعنی "این مدل یک رگرسیون مرکب لگاریتم-خطی است" (گجراتی، ۱۳۸۳: ۲۰۱). در این رابطه β_1 تا β_8 یا همان ضرایب رگرسیونی، کشش های جزئی متغیر وابسته نسبت به متغیرهای مستقل را نشان می دهند. یعنی بناها، تاثیر خالص هر یک از متغیرهای مستقل هزینه دولت در آموزش، بهداشت، رفاه و تامین اجتماعی، امور اقتصادی و متغیرهای هزینه آموزشی و بهداشتی خانواده های شهری و روستایی را صرف نظر از تاثیر سایر متغیرهای مستقل، بر روی متغیر وابسته توسعه انسانی می سنجند.

¹ Cobb-Douglas production function

مدل این تحقیق، ارتباط بین توسعه انسانی با هزینه های دولتی در آموزش، بهداشت، رفاه و تامین اجتماعی، امور اقتصادی و هزینه های خانوار شهری و روستایی در آموزش و بهداشت در سال های ۱۳۹۴-۱۳۶۹ با مدل گشتاور تعمیم یافته (GMM) است. فرضیه متناظر با مدل: بین هزینه های دولتی در آموزش، بهداشت، رفاه و تامین اجتماعی، امور اقتصادی، هزینه خانوار شهری در آموزش و بهداشت و هزینه خانوار روستایی در آموزش و بهداشت و توسعه انسانی رابطه وجود دارد. و یا

$$H_0: \beta_1 = \beta_2 = \beta_3 = \beta_4 = \beta_5 = \beta_6 = \beta_7 = \beta_8 = 0$$

حداقل یک ضریب زاویه مخالف صفر وجود دارد: H_1 :

برای آزمون این فرضیه از مدل گشتاور تعمیم یافته (GMM) در بازه زمانی ۲۶ ساله از ۱۳۶۹ تا ۱۳۹۴ استفاده شده است. به همین منظور گزارش آزمون پایایی، تعیین وقفه بهینه مدل، آزمون هم انباشتگی و در نهایت تخمین مدل با روش GMM اجرا شده است.

آزمون پایایی (ریشه واحد)

در اغلب مطالعات سری های زمانی، وجود ریشه واحد در متغیرهای سری های زمانی ممکن است منجر به برآورد رگرسیون کاذب و غیر قابل اتکا شدن شود. پس لازم است وضعیت مانایی و درجه هم جمعی متغیرها مشخص شود. نتایج آزمون پایایی دیکی-فولر^۱ برای داده های مدل در جدول ۱ نشان می دهد که همه متغیرهای مورد مطالعه با یک بار تفاضل گیری مانا شده و در سطح یک پایا هستند.

جدول (۱): آزمون ریشه واحد دیکی فولر تعمیم یافته

متغیر	ضریب	سطح معنی داری	درجه هم جمعی
ECR	-۶,۰۱۴۶	۰,۰۰۰۰	I(1)
ECU	-۳,۵۶۴۵	۰,۰۱۴۸	I(1)
GCE	-۵,۰۷۴۳	۰,۰۰۰۴	I(1)
GCED	-۵,۴۸۹۹	۰,۰۰۰۲	I(1)
GCH	-۴,۳۲۸۴	۰,۰۰۲۶	I(1)
GCW	-۴,۵۴۷۱	۰,۰۰۱۵	I(1)
HCR	-۵,۴۶۴۹	۰,۰۰۰۲	I(1)
HCU	-۳,۹۵۲۳	۰,۰۰۷۸	I(1)
HDI	-۳,۱۲۹۵	۰,۰۳۷۷	I(1)

وقفه بهینه مدل

مقدار آماره شوارتز-بیزین^۲ در این مدل برابر ۰,۰۳۸۶ و وقفه بهینه مدل با توجه به حجم نمونه یک است.

آزمون هم انباشتگی

پس از مشخص شدن یکسانی درجه هم جمعی متغیرهای الگو در سطح و یا با یک بار وقفه، جهت تشخیص وجود رابطه تعادلی بلند مدت میان متغیرهای مدل می توان از آزمون هم انباشتگی جوهانسون-جوسیلوس^۳ استفاده کرد. به همین منظور باید الگوی مناسب در خصوص وجود یا عدم وجود روند زمانی و عرض از مبدأ در بردار هم جمعی انتخاب شود. پنج الگو مطرح در این زمینه عبارتند از الگوی اول، بدون عرض از مبدأ و روند زمانی؛ الگوی دوم، با عرض از مبدأ مقید و بدون روند زمانی؛ الگوی سوم، با عرض از

¹ Dickey- Fuller unit root test

² Schwarz information criterion

³ Johansen Cointegration Test

مبدأ نامقید و بدون روند زمانی؛ الگوی چهارم، باعرض از مبدأ نامقید و روند زمانی مقید و الگوی پنجم، عرض از مبدأ نامقید و روند زمانی نامقید. این پنج الگو از مقیدترین (الگوی اول) تا نامقیدترین (الگوی پنجم) شکل آن برای متغیرها برآورد می شود. در آزمون هم انباشتگی جوهانسون-جوسیلوس فرضیه صفر عدم وجود بردار هم انباشتگی در مقابل وجود یک بردار هم انباشتگی، وجود حداکثر یک بردار هم انباشتگی در مقابل دو بردار تا وجود $n-1$ بردار هم انباشتگی در مقابل n بردار (n تعداد متغیرها) با سنجش معنی داری آماره های آزمون های اثر و حداکثر مقدار ویژه سنجیده می شود. نتایج این آزمون ها در دو جدول، یکی خلاصه آزمون های اثر و حداکثر مقدار ویژه در خصوص تعداد بردارهای هم انباشتگی بر اساس پنج الگوی ذکر شده و دیگری جدول مربوط به سنجش معنی داری آزمون های فرضیه تعداد بردارهای هم انباشتگی نمایش داده می شود. در این آزمون در صورت تناقض میان نتایج آزمون ها، آزمون حداکثر مقدار ویژه به دلیل قوی تر بودن فرض مقابل نسبت به آزمون اثر ارجح تر است. در این مدل نیز پس از مشخص شدن پایایی همه متغیرهای الگو در سطح یک، جهت بررسی رابطه تعادلی بلندمدت میان متغیرها، از آزمون هم انباشتگی جوهانسون-جوسیلوس استفاده شد. گزارش خلاصه تعداد بردارهای هم انباشتگی در جدول ۲ و نتایج آزمون هم انباشتگی در جدول ۳ آمده است.

جدول (۲): خلاصه نتایج تعداد بردارهای هم انباشتگی

الگوی اول	الگوی دوم	الگوی سوم	الگوی چهارم	الگوی پنجم
۴	۵	۵	۶	۶
آزمون اثر				
۳	۳	۲	۲	۱
آزمون حداکثر مقدار ویژه				

خلاصه نتایج آزمون های اثر^۱ و حداکثر مقدار ویژه^۲ در خصوص تعداد بردارهای هم انباشتگی نشان می دهد که در هر پنج الگو حداقل یک بردار هم انباشته میان متغیرهای مورد مطالعه وجود دارد. همچنین نتایج آزمون های اثر و حداکثر مقدار ویژه وجود پنج بردار هم انباشته تایید شده حداقل در سطح معنی داری ده درصد را نشان می دهند.

جدول (۳): نتایج آزمون هم انباشتگی

H ₀	H ₁	آماره آزمون اثر	کمیت بحرانی در سطح ۹۵٪	سطح معنی داری	آماره آزمون حداکثر مقدار ویژه	کمیت بحرانی در سطح ۹۵٪	سطح معنی داری
r=0	r=1	۳۲۳,۷۱۸۹	۲۰۸,۴۳۷۴	۰,۰۰۰۰	۸۹,۵۷۱۵۹	۵۹,۲۴۰۰۰	۰,۰۰۰۰
r≤1	r=2	۲۳۴,۱۴۷۳	۱۶۹,۵۹۹۱	۰,۰۰۰۰	۵۹,۰۴۲۳۴	۵۳,۱۸۷۸۴	۰,۰۱۱۳
r≤2	r=3	۱۷۵,۱۰۴۹	۱۳۴,۶۷۸۰	۰,۰۰۰۰	۵۱,۰۵۱۳۷	۴۷,۰۷۸۹۷	۰,۰۱۷۸
r≤3	r=4	۱۲۴,۰۵۳۶	۱۰۳,۸۴۷۳	۰,۰۰۱۲	۴۰,۴۱۶۱۶	۴۰,۹۵۶۸۰	۰,۰۵۷۴
r≤4	r=5	۸۳,۶۳۷۴۰	۷۶,۹۷۲۷۷	۰,۰۱۴۲	۳۳,۹۴۶۵۴	۳۴,۸۰۵۸۷	۰,۰۶۳۱
r≤5	r=6	۴۹,۶۹۰۸۶	۵۴,۰۷۹۰۴	۰,۱۱۶۳	۱۸,۸۸۸۰۱	۲۸,۵۸۸۰۸	۰,۵۰۱۱
r≤6	r=7	۳۰,۸۰۲۸۴	۳۵,۱۹۲۷۵	۰,۱۳۷۹	۱۳,۹۸۶۵۸	۲۲,۲۹۹۶۲	۰,۴۶۳۲
r≤7	r=8	۱۶,۸۱۶۲۷	۲۰,۲۶۱۸۴	۰,۱۳۹۵	۱۱,۸۴۵۴۰	۱۵,۸۹۲۱۰	۰,۱۹۵۱
r≤8	r=9	۴,۹۷۰۸۶۹	۹,۱۶۴۵۴۶	۰,۲۸۶۶	۴,۹۷۰۸۶۹	۹,۱۶۴۵۴۶	۰,۲۸۶۶

¹ λ_Trace

² λ_Max

تخمین مدل با الگوی GMM

گزارش تخمین مدل با گشتاور تعمیم یافته GMM در جدول ۴ ارائه شده است. جهت معنی داری مدل و برقراری رابطه بین متغیرها، در این آزمون باید، فرض صفر مبنی بر عدم وجود خود همبستگی بین متغیرهای ابزاری با اجزاء اخلال تایید گردد.

عدم وجود خود همبستگی بین متغیرهای ابزاری و اجزای اخلال: H_0

وجود خود همبستگی بین متغیرهای ابزاری و اجزای اخلال: H_1

در این مدل متغیرهای ابزاری عبارتند از:

GCH (-1), GCH (-2), GCW, GCW (-1), GCW (-2), GCE, GCE (-1), GCE (-2), GCE (-3), GCE (-4), ECU, ECU (-1), ECR (-1), HCU (-1), HCR, HCR (-1)

جدول (۴): نتایج حاصل از تخمین الگو به روش GMM برای متغیر وابسته HDI

متغیر	ضریب	آماره آزمون	سطح احتمال
ECR	۰,۱۳۳۹۰۱	۳,۸۸۲۱۶۱	۰,۰۰۱۷
ECU	-۰,۰۱۷۴۵۱	-۳,۶۳۶۶۲۷	۰,۰۰۲۷
GCE	-۰,۰۱۰۴۳۶	-۳,۱۹۲۲۸۷	۰,۰۰۶۵
GCED	۰,۰۱۱۰۳۸	۲,۸۸۸۴۹۶	۰,۰۱۱۹
GCH	۰,۰۲۶۷۳۳	۳,۶۰۴۵۶۰	۰,۰۰۲۹
GCW	-۰,۰۱۴۷۹۷	-۳,۲۵۵۶۲۵	۰,۰۰۵۷
HCR	۰,۰۵۷۵۵۰	۱,۳۸۳۱۳۴	۰,۱۸۸۳
HCU	۰,۱۲۹۴۱۳	۳,۷۸۳۹۷۵	۰,۰۰۲۰
سطح احتمال آزمون J	۰,۷۳۵۲۶۷	آماره آزمون J	رتبه ابزار ۱۷
Prob(J-statistic)	۰,۷۳۵۲۶۷	J-statistic	۱۷ Instrument rank

نتایج جدول ۴ نشان می دهد که $Prob(J-statistic) = 0.735267 > 0.1$ است و فرض صفر یعنی عدم همبستگی بین متغیرهای ابزاری و اجزای اخلال تایید می گردد. با تایید مدل و بررسی ضرایب متغیرها متوجه می شویم که اثر متغیرهای مستقل هزینه دولت در آموزش طبق نظر پیر پائولو ساوتی (۲۰۱۶)، هاکان اوزتونک و همکاران (۲۰۱۵)، نارایان و همکاران (۲۰۱۰)، کلومبیر (۲۰۰۰)، بام و لین (۱۹۹۳)، نوری نائینی و همکاران (۱۳۹۶)، شاهپوندی (۱۳۹۶)، صادقی (۱۳۹۳)، باسحا و همکاران (۱۳۹۰)، مشکانی و همکاران (۱۳۹۰)، موسوی خامنه و همکاران (۱۳۸۹) و پورفرج (۱۳۸۴) و هزینه دولت در بهداشت مشابه دیدگاه وانگ کوان-مین (۲۰۱۱)، نارایان و همکاران (۲۰۱۰)، نوری نائینی و همکاران (۱۳۹۶)، پناهی و آل عمران (۱۳۹۴)، شاهپوندی (۱۳۹۶) و باسحا و همکاران (۱۳۹۰)، هزینه خانوار روستایی در آموزش و هزینه خانوار شهری در بهداشت بر متغیر وابسته توسعه انسانی معنی دار و مثبت و اثر متغیرهای مستقل هزینه دولت در رفاه و تامین اجتماعی مانند دیدگاه بام و لین (۱۹۹۳)، هزینه دولت در امور اقتصادی از منظر صادقی (۱۳۹۳) در صورتی وجود کسر بودجه و هزینه خانوار شهری در آموزش مطابق نظر رفیکا آتالی (۲۰۱۴)، بر توسعه انسانی معنی دار و منفی است و هزینه خانوار روستایی در بهداشت تاثیری بر توسعه انسانی ندارد. معنی داری و مخالف صفر بودن ضرایب متغیرهای تحقیق به معنی تایید فرضیه تحقیق، یعنی تاثیر هزینه های دولتی در آموزش، بهداشت، رفاه و تامین اجتماعی، امور اقتصادی، هزینه خانوار شهری در آموزش و بهداشت و هزینه خانوار روستایی در آموزش بر توسعه انسانی است.

مرور اعداد جدول بالا نشان می دهد که ضریب متغیرهای هزینه دولتی آموزش ۰,۰۱۱۰۳۸، هزینه دولتی بهداشت ۰,۰۲۶۷۳۳، هزینه خانوار شهری در بهداشت ۰,۱۲۹۴۱۳ و هزینه خانوار روستایی در آموزش ۰,۱۳۳۹۰۱، در سطح ۰,۰۱ معنی دار و مثبت است. یعنی

افزایش یک درصد هزینه دولتی آموزش ۱٫۱ درصد، یک درصد هزینه دولتی بهداشت ۲٫۶۷ درصد، یک درصد هزینه بهداشت خانواده شهری ۱۲٫۹۴ درصد و یک درصد هزینه آموزش خانواده روستایی ۱۳٫۳۹ درصد بر شاخص توسعه انسانی می افزاید. همچنین ضریب متغیرهای هزینه دولت در رفاه و تامین اجتماعی ۰٫۱۴۷۹۷-، هزینه دولت در امور اقتصادی ۰٫۱۰۴۳۶- و هزینه خانوار شهری در آموزش ۰٫۱۷۴۵۱-، در سطح ۰٫۰۱ معنی دار و منفی است. یعنی با افزایش یک درصد بودجه رفاه و تامین اجتماعی ۱٫۴۷ درصد، یک درصد بودجه اقتصادی دولت ۱٫۰۴ درصد، یک درصد هزینه خانواده شهری در آموزش ۱٫۷۴ درصد از شاخص توسعه انسانی کاسته می شود. و ضریب هزینه خانوار روستایی در بهداشت معنی دار نیست که نشان دهنده بی اثر بودن آن بر توسعه انسانی در ایران است.

برآیند این نتایج بیانگر لزوم اولویت داشتن هزینه های دولتی بهداشت بر هزینه های دولتی آموزش، دقت و برنامه ریزی همراه با آینده نگری در اختصاص بودجه دولت به رفاه و تامین اجتماعی و امور اقتصادی، آموزش و تشویق خانواده های شهری جهت برنامه ریزی برای افزایش هزینه های بهداشتی و خانواده های روستایی برای افزایش هزینه های آموزشی و در نهایت تغییر اولویت های تخصیص هزینه آموزشی خانواده شهری و هزینه بهداشتی خانواده های روستایی است.

همان طور که مشاهده شد، افزایش هزینه های رفاهی و اقتصادی، دارای دو اثر مستقیم و غیر مستقیم بر توسعه انسانی است. اثر مستقیم افزایش این هزینه ها، بالا رفتن سطح رفاه عمومی و توسعه اقتصادی و در نهایت افزایش توسعه انسانی است. اما به دلیل محدودیت بودجه، افزایش هزینه های رفاه و تامین اجتماعی می تواند باعث کاهش بودجه سایر بخش ها، از جمله کاهش هزینه های بهداشتی، آموزشی و سرمایه گذاری های توسعه ای شود که نتیجه آن کاهش توسعه انسانی است. همچنین به طور معمول، نگاه به تخصیص بودجه برای امور اقتصادی در ایران، سخت افزاری است. یعنی با وجود انجام سرمایه گذاری، به دلیل اینکه در اجرای پروژه های اقتصادی ارزیابی های اجتماعی، زیست محیطی و نیازسنجی های ملی و منطقه ای مناسب و دقیق انجام نمی گیرد و به دلیل زمان بر بودن پروژه ها و پروژه های ناتمام که با سرمایه گذاری کمتر از میزان مناسب و یا در زمان نامناسب اجرا شده اند، نتیجه مطلوب که همان توسعه انسانی است، حاصل نمی گردد. به همین علت اثر غیر مستقیم هزینه های اقتصادی دولت بر توسعه انسانی منفی است. نتیجه تحلیل فوق بیانگر این است که، اثر غیر مستقیم و جمع دو اثر مستقیم و غیرمستقیم هزینه های رفاهی و اقتصادی دولت بر شاخص توسعه انسانی، می تواند منفی باشد.

از طرف دیگر، انتظار می رود که با افزایش هزینه آموزش و بهداشت (صرف نظر از منشاء دولتی یا خانوادگی آن) بر شاخص توسعه انسانی افزوده شود، اما نتیجه مربوط به هزینه های خانوار شهری در آموزش، خلاف آن را نشان می دهد. شاید بتوان گفت که در سال های اخیر خانواده های شهری برای گرفتن مدرک، هزینه زیادی را برای قبولی فرزندان شان در کنکور ورودی دانشگاه ها، ادامه تحصیل در دانشگاه های درجه پایین و در رشته هایی که جامعه نیاز کمتری به آن ها دارد، می نمایند. بنابراین هزینه آموزشی خانوار شهری نمی تواند منجر به افزایش توسعه انسانی در ایران گردد. در مورد هزینه بهداشتی خانواده های روستایی نیز می توان گفت که به دلیل در دسترس نبودن امکانات بهداشتی و درمانی در بیشتر روستاهای ایران، بخش زیادی از هزینه بهداشتی ایشان صرف رفت و آمد به شهر های نزدیک و یا شهر های بزرگ می شود و چه بسا به دلیل دوری و نداشتن امکانات اقامتی بسیاری از دوره های درمان ایشان ناتمام باقی می ماند. این امر سبب اتلاف هزینه خانواده روستایی و هزینه های بهداشتی دولت شده و ضد توسعه است.

سرانجام، تغییر بنیادی در تلقی های فرهنگی جامعه محیط اصلی مناسب توسعه انسانی و اقتصادی را فراهم می آورد. تحقق این امر در گرو بازسازی اساسی نظام آموزشی کشور است که پایه های آن در مدارس بنا گذاشته می شود. قبل از پرداختن به امور رفاهی، لازم است زیر ساخت های آموزشی، بهداشتی و اقتصادی فراهم باشد. آموزش مهارت های زندگی، توانایی حفظ و نگهداری از آسیب های جسمی و روحی، داشتن شغل مناسب و در شأن فرد با درآمد مکفی به افراد این امکان را می دهد که، برای رفاه و تامین اجتماعی آینده خویش برنامه ریزی نمایند. بنابراین تغییر اولویت ها در اختصاص بودجه بیشتر به آموزش و بهداشت به جای رفاه و

تامین اجتماعی، ممکن است سبب افزایش توسعه انسانی در ایران شود. همچنین برای نتیجه بخش بودن برنامه های اقتصادی در مسیر توسعه، لازم است با ارزیابی و نیازسنجی های ملی و منطقه ای، ضمن اجرای راهبرد توسعه از پایین، به اندیشه ها و اهداف توسعه ای توده مردم و مشارکت دادن آنها در تمامی مراحل مربوط به برنامه ریزی توسعه توجه گردد، تا از اتلاف منابع انسانی و فیزیکی جلوگیری کرده و امکان افزایش شاخص توسعه انسانی فراهم شود.

منابع

۱. اتال، یوگش "برنامه ریزی و آینده" ترجمه پرویز پیران، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره دوازدهم، صفحه ۸-۴.
۲. ازکیا، مصطفی؛ غفاری، غلامرضا (۱۳۹۳) جامعه شناسی توسعه، تهران: شرکت انتشارات کیهان.
۳. باسحا، مهدی؛ صباغ کرمانی، مجید؛ یوری، کاظم (۱۳۹۰) "بررسی کارکرد هزینه های بهداشتی و آموزشی دولت در بهبود شاخص های توسعه انسانی: مطالعه موردی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی" مجله مدیریت سلامت، شماره ۴۵ (۲۶-۱۱).
۴. بیرو، آلن (۱۳۸۰) "فرهنگ علوم اجتماعی" ترجمه باقر ساروحانی، چاپ چهارم، تهران: کیهان.
۵. پناهی، حسین؛ آل عمران، سیدعلی (۱۳۹۴) "بررسی تاثیر مخارج بهداشتی دولت بر رشد اقتصادی در کشورهای سازمان همکاری های اقتصادی گروه D8" مجله بهداشت و توسعه، سال چهارم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۴، (۳۳۶-۳۲۷).
۶. پورفرج، علی رضا "مخارج دولت برای سرمایه انسانی و نقش آن در رشد اقتصادی ایران" مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۶۹، تابستان ۱۳۸۴: ۵۷-۸۶.
۷. حریری، محمد یوسف (۱۳۸۸) "فرهنگ موضوعی تشریحی علوم اقتصادی" جلد ۲، تهران: اطلاعات.
۸. ساخاراپولس، جورج؛ وودهاال، مورین (۱۳۷۳) "آموزش برای توسعه، تحلیلی از گزینش های سرمایه گذاری" پردخت وحیدی، حمید سهرابی، تهران: سازمان برنامه و بودجه.
۹. سازمان مدیریت و برنامه ریزی (۱۳۷۸) "اولین گزارش ملی توسعه انسانی جمهوری اسلامی ایران" تهران: سازمان مدیریت و برنامه ریزی.
۱۰. سریع القلم، محمود (۱۳۹۲) "عقلانیت و توسعه یافتگی ایران" چاپ ششم، تهران: نشر فرزاد.
۱۱. سن، آمارتیا (۱۳۸۸) توسعه به مثابه آزادی، وحید محمودی، تهران: دستان.
۱۲. شاهپوندی، اصغر (۱۳۹۶) "بررسی تاثیر آموزش و سلامت نیروی انسانی بر رشد اقتصادی در کشورهای عضو اپک" پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته اقتصاد، دانشگاه شهید بهشتی.
۱۳. صادقی، سیدکمال (۱۳۹۳) "بررسی رابطه بلند مدت بین مخارج آموزشی، بهداشتی، امنیت و رفاه اجتماعی و رشد اقتصادی در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی" فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست و یکم، شماره هشتاد، (۱۳۶-۱۱۳).
۱۴. عظیمی، حسین (۱۳۹۳) "مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران" چاپ پانزدهم، تهران: نشر نی.
۱۵. گجراتی، دامودار (۱۳۸۳) "مبانی اقتصاد سنجی" جلد اول، چاپ چهارم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۶. گریفین، کیث و مک کنلی، تری (۱۳۷۵) "تحقق استراتژی توسعه انسانی" غلامرضا خواجه پور، تهران: موسسه عالی پژوهش و تامین اجتماعی.
۱۷. گریفین، کیث و نایت، جان (۱۳۷۶) "توسعه انسانی: تاکید مجدد"، علی دینی و معصومه سادات صالحی امین، مجله برنامه و بودجه، شماره ۱۹ و ۲۰، آبان و آذر.
۱۸. گزارش توسعه انسانی ۲۰۰۳ برنامه توسعه سازمان ملل متحد متوسلی، محمود (۱۳۷۰)
۱۹. محمودی، وحید (۱۳۸۷) "رابطه رشد اقتصادی و توسعه انسانی" اطلاعات سیاسی - اقتصادی شماره ۲۵۱-۲۵۲، صفحه ۱۵۰-۱۵۷.
۲۰. مشکانی، ابوالفضل؛ سامتی، مرتضی؛ خوش اخلاق، رحمان؛ دلالی اصفهانی، رحیم؛ عمادزاده، مصطفی "بررسی تاثیر هزینه های آموزش بر سرمایه انسانی و رشد اقتصادی با استفاده از الگوی تعادل عمومی قابل محاسبه" فصلنامه تحقیقات مدل سازی اقتصادی، شماره ۵، پاییز ۱۳۹۰: ۱۳۰-۱۰۳.
۲۱. موسوی خامنه، مرضیه؛ ودادهیر، ابوعلی؛ برزگر، نسرین (۱۳۸۹) "توسعه انسانی مبتنی بر جنسیت و آموزش زنان" مجله زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان) شماره ۴، زمستان ۱۳۸۹: ۵۱-۷۳.
۲۲. نوری نائینی، محمدسعید؛ قاسمی، حسام الدین؛ کاظمی تربقان، مریم سادات (۱۳۹۶) "بررسی عوامل موثر بر شاخص توسعه انسانی در ایران با استفاده از رویکرد میانگین گیری بیزی" فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش های رشد و توسعه اقتصادی، سال هشتم، شماره بیست و نهم، زمستان ۱۳۹۶ (۶۰-۴۵).

۲۳. هلک، ژاک (۱۳۷۱) "سرمایه گذاری برای آینده آموزش و پرورش"، عبدالحسین نفیسی، تهران: انتشارات مدرسه.

24. Atalay, Refica "The education and the human capital to get rid of the middle-income trap and to provide the economic development" *Procedia - Social and Behavioral Sciences* 174 (2015) 969-976 .
25. Baum, N.D and S. Lin (1993) "The Differential Effects on Economic Growth of Government Expenditures on Education, Welfare and Defense", *Journal of Economic Development*, 18.
26. Bellettini, G. and C.B. Ceroni (2000) "Social Security Expenditure and Economic Growth: an Empirical Assessment", *Journal of Research in Economics*, 54.
27. Colombier, C. (2000) "Does the Composition of Public Expenditure Affect Economic Growth?" Evidence from Switzerland, Working Paper.
28. Eggoh, Jude; Houeninvo, Hilaire; Sossou, Gilles-Armand (2015) "Education, Health and Economic Growth in African Countries" *Journal of Economic Development*, Volume 40, Number 1, March 2015.
29. Hakan, Oztunc; Zar Chi Oo; Zehra Vildan Serin "Effects of Female Education on Economic Growth: A Cross Country Empirical Study" *Educational Sciences: Theory & Practice*, 2015 April, 15(2), 349-357.
30. Kurt, S. (2015) "Government Health Expenditures and Economic Growth: A Feder-Ram Approach for the Case of Turkey" *International Journal of Economics and Financial*, 5(2).
31. Narayan, S., Narayan, P. K., & Mishra, S. (2010) "Investigating the Relationship between Health and Economic Growth: Empirical Evidence from a Panel of 5 Asian Countries. *Journal of Asian Economics*" 21(4), 404-411.
32. Saviotti, Pier Paolo; Pyka, Andreas; Jun, Bogang (2016) "Education, structural change and economic development" *Structural Change and Economic Dynamics* 38 (2016) 55-68 .
33. UNDP (2003) "Human Development Report 2003", NY: Oxford University Press .
34. UNDP (2004) "Human Development Report 2004", NY: Oxford University Press .
35. UNDP (2015) "Human Development Report 2015", NY: Oxford University Press .
36. UNDP (2016) "Human Development Report 2016", NY: Oxford University Press .
37. Wang, Kuan- Min (2011) "Health Care Expenditure and Economic Growth: Quantile Panel-type Analysis" *Economic Modelling*, 28, 1112 -1139.